

معجزه‌ای از نوع کتاب

ستاره‌ای بدخشید و ماه مجلس شد دل ریمده‌ی ما را انیس و مونس شد
نگار من که به کتب زلفت و خط نوشت به غمزه ساله آموز صد مدرّس شد
حافظ

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده است.
قرآن کریم این ویژگی را دارد که:

- دلیل و سند جاودانه نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

در این درس می‌خواهیم این ویژگی را بررسی کنیم تا بدانیم:

اولاً، چگونه قرآن کریم دلیل حقانیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معجزه ایشان

به‌شمار می‌آید؟

ثانیاً، آیا میان نوع معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (یعنی کتاب) و خاتمیت ایشان رابطه‌ای

هست؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ

مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا

فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ

وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ

مِنْ دُونِ اللَّهِ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا

وَلَنْ تَفْعَلُوا

فَأْتِقُوا النَّارَ الَّتِي

وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

بقره، ۲۳ و ۲۴

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ

لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

نساء، ۸۲

وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ
وَلَا تَخُطُّهُمْ بِيَمِينِكَ
إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ
و پیش از آن هیچ نوشته‌ای نمی‌خواندی
و با دست خود آن را نمی‌نوشتی
که در آن صورت کجروان به شک می‌افتادند.

عنکبوت ، ۴۸



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

فَأْتُوا : پس بیاورید	وَادْعُوا : و فراخوانید	وَقُود : هیزم، سوخت
الْحِجَارَةِ : سنگ‌ها	أَعِدَّتْ : آماده شده است	لَوْجَدُوا : همانا که می‌یافتند



سوره/ آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، پاسخ سؤال‌های زیر را به دست آورید.
.....	۱- کسی که می‌پندارد قرآن کریم از جانب خدا نیست، برای اثبات ادعای خود چه باید بکند؟
.....	۲- اگر کسی بدون دلیل منکر الهی بودن قرآن باشد، چه سرنوشتی در انتظار اوست؟
.....	۳- یکی از دلایل الهی بودن قرآن چیست؟
.....	۴- در چه صورتی جای آن بود که کج اندیشان درباره الهی بودن قرآن دچار شک شوند؟

سند و دلیل نبوت

هر یک از پیامبران الهی معجزه‌ای داشتند که بدان وسیله پیامبر بودن خود را ثابت می‌کردند. از معجزه‌های حضرت موسی علیه السلام، یکی تبدیل شدن عصایش به ماری بزرگ بود و دیگری نوری بود که هنگام بیرون آمدن دست او از گریبان، همه‌جا را روشن می‌کرد. از معجزه‌های حضرت عیسی علیه السلام شفا دادن بیماران لاعلاج و زنده کردن مردگان بود. معجزه‌ها به اذن خدا انجام می‌شد و فقط برای اثبات نبوت پیامبران به کار می‌رفت. برخی از پیامبران گذشته کتاب آسمانی داشتند اما به عنوان معجزه مطرح نکردند.



آیا می‌دانید معجزه‌های حضرت موسی و حضرت عیسی چه تناسبی با زمان آنان داشت؟

.....

.....

.....

.....

معجزه اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرآن کریم است و همان‌طور که در آیات ابتدای درس خواندیم، از مخالفان می‌خواهد اگر در الهی بودن این کتاب شک دارند، یک سوره مانند آن بیاورند. این دعوت به مبارزه را «تَحَدّی» می‌گویند. از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است بیش از چهارده قرن می‌گذرد. مخالفان سرسخت اسلام در این باره تلاش فراوان کرده‌اند اما نتوانسته‌اند سوره‌ای، حتی به اندازه سوره «کوثر» بیاورند که دانشمندان و متخصصان، برای آن را با سوره‌ای از قرآن بپذیرند؛ درحالی که آسان‌ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی است.

ختم نبوت و معجزه جاویدان

جای این سؤال است که چرا خداوند یک کتاب را معجزه پیامبر اکرم قرار داده است؟

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم :

از آن‌جا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر و تعلیمات ایشان برای همه زمان‌های بعد از اوست، سند نبوت و حقانیت او نیز به‌گونه‌ای است که در همه زمان‌ها حضور دارد و هم‌اکنون نیز مخالفان را به آوردن سوره‌ای مانند سوره‌های خود دعوت می‌کند. اگر معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نوع کتاب و علم و فرهنگ نبود، نمی‌توانست شهادی حاضر و دائمی بر نبوت ایشان باشد.

شگفتی این اعجاز در آن است که هر قدر زمان می‌گذرد و انسان به قله‌های بلندتری در علم و معرفت دست می‌یابد، نه تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود بلکه درخشندگی اش آشکارتر می‌گردد و ابعاد جدیدی از معارف آن کشف می‌شود.

جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است : یکی لفظی و دیگری محتوایی. در پیام آیات ابتدای درس دیدیم که تحدی قرآن کریم منحصر به یکی از این دو جنبه نیست و از مخالفان خواسته شده که برای اثبات ادعای خود سوره‌ای بیاورند که چه از نظر لفظی و چه از نظر محتوایی شبیه قرآن باشد. اکنون هر یک از این دو جنبه را بررسی می‌کنیم :

۱- **اعجاز لفظی** : هر کس که اندکی با زبان عربی آشنا باشد، پس از انس با قرآن، درمی‌یابد که این کلام با سایر کلام‌ها کاملاً متفاوت است. فصاحت و بلاغت قرآن کریم، از آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفت. زیبایی‌های لفظی، ساختار موزون کلمه‌ها و جمله‌ها، رسایی در معنا با وجود ایجاز و اختصار و بسیاری دیگر از ویژگی‌های هنرمندانه ادبی قرآن کریم، بی‌مانند است. همین زیبایی و شیرینی بیان، موزون بودن کلمه‌ها و رسایی تعبیرات، در طول تاریخ سبب نفوذ خارق‌العاده این کتاب آسمانی در افکار و نفوس شده است. در اوایل بعثت، سران مکه افرادی را مأمور کرده بودند که نگذارند مردم به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بروند و آیات قرآن را بشنوند؛ زیرا می‌دانستند که این آیات، شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.





نمونه‌ای از اعجاز لفظی قرآن کریم :

ولید بن مغیره از بزرگان مکه بود و به حسن تدبیر شهرت داشت. روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد تا از نزدیک وضع او را بررسی و آیات قرآن را ارزیابی کند. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم قسمتی از سوره «سجده» را تلاوت می‌کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت :

سوگند می‌خورم که از محمد سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان‌ها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، و بر هر گفتاری پیروز خواهد شد.

زمزمه در میان قریش افتاد که ولید به گفتار پیامبر علاقه‌مند شده است. ابوجهل گفت من چاره کار را می‌دانم. درحالی که خود را غمگین نشان می‌داد، به منزل ولید آمد. ولید پرسید : «چرا غمگینی؟» ابوجهل گفت : «چرا غمگین نباشم؟ قریش بر تو با این سن و شخصیت، عیب می‌گیرند و می‌گویند که جذب محمد شده‌ای».

ولید برخاست و با ابوجهل به مجلس قریش درآمد. رو به سوی جمعیت کرد و گفت : «آیا تصور می‌کنید محمد دیوانه است؟» حضار گفتند : نه. گفت : «تصور می‌کنید او دروغ‌گوست؟» حضار گفتند : نه. سپس بزرگان قریش گفتند : پس چه چیزی باید به او نسبت دهیم تا مردم گرد او جمع نشوند؟ ولید با شیطنتی خاص گفت : «ساحر؛ آری او ساحر است»^۱

برخی از سران مکه که خود، مردم را از شنیدن قرآن منع می‌کردند، شب‌ها پشت خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمدند و به تلاوت آیات گوش می‌دادند. مدتی گذشت؛ یکی از آنان گفت این درست نیست که دیگران را از شنیدن قرآن منع کنیم، اما خود به قرآن گوش دهیم. آنان تصمیم گرفتند از شب بعد پشت خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمع نشوند. در اواخر شب بعد، یکی از آنان از شوق شنیدن قرآن و لذت بردن از زیبایی آن، آن قدر برانگیخته شد که نتوانست جلوی خود را بگیرد و دور از چشم دوستان خود به سوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حرکت کرد. وقتی پشت خانه آن حضرت رسید، دید که دوستان دیگر او نیز آمده‌اند و مشغول شنیدن صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند و تلاوت قرآن را می‌شنوند.^۲

۱- قرآن و آخرین پیامبر، آیت‌الله مکارم شیرازی، ص ۷۸

۲- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۳۷

۲- اعجاز محتوایی: محتوای این کتاب شریف ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ دانشمندی تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن چیزی نوشته و آموزشی ندیده است. اساساً قرآن کریم در چنان اوجی از معنا قرار دارد که اگر همه انسان‌ها یک‌دیگر را کمک کنند، نمی‌توانند حتی سوره‌ای مانند آن را بیاورند. حال ببینیم این ویژگی‌ها کدام‌اند.

الف) انسجام درونی، در عین نزول تدریجی: می‌دانیم که آثار و نوشته‌های اولیه دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی و کمالشان متفاوت است. از این‌رو دانشمندان معمولاً در نوشته‌های گذشته خود تجدید نظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته خود را اصلاح می‌نمایند.

با این‌که بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال نازل شده و درباره موضوعات متنوعی مانند توحید، معاد، انسان، نظام خلقت، سرگذشت پیامبران، نظام اجتماعی، اخلاق و احکام سخن گفته است، با وجود این، نه تنها میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگ‌اند.



به فعالیت «پیام آیات» نگاه کنید و ببینید این ویژگی با کدام یک از پیام‌های



استخراج شده مطابقت دارد.

پیام شماره

ب) **تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت:** در هر دوره‌ای از زمان، مجموعه‌ای از افکار، عقاید، آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، مردم را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مردم حجاز آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک آلود بود. آنان حتی آداب توحیدی باقی مانده از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام را با شرک آمیخته و کعبه را مرکز بت‌های کوچک و بزرگ کرده بودند. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی چون عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها که آرمان‌های مقدس بشریت به شمار می‌روند سخن گفت.

ج) **جامعیت و همه جانبه بودن:** قرآن کریم با وجود این که حدود پانزده قرن پیش و در جامعه‌ای به دور از فرهنگ و دانش نازل شده در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت بدان نیاز

دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی یا آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید، بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

د) تازگی و شادابی دائمی: معمولاً افکار و اندیشه‌ها به تدریج کهنه می‌شوند و با پیشرفت فرهنگ و دانش بشری همه یا قسمتی از آن‌ها جای خود را به اندیشه‌های جدید می‌دهند. اما می‌بینیم که قرآن کریم نه تنها با پیشرفت زمانه کهنه نمی‌شود، بلکه افق‌های جدیدی از حکمت، علم و معرفت را به روی جویندگان می‌گشاید. این کتاب، کتاب دیروز، امروز و فردای انسان‌هاست. هر چه زمان بگذرد و انسان‌ها به درجات عالی‌تری از فرهنگ و دانش برسند، درخشندگی و شادابی قرآن بیش‌تر نمایان خواهد شد.

ه) ذکر نکات علمی بی‌سابقه: در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم اشاره به برخی نکات علمی می‌کند که در تمام دنیای آن روز بی‌سابقه بود و بعدها توسط دانشمندان کشف گردید.^۱ به دو نمونه از این نکات علمی توجه کنید:

۱- مردم از وجود زوجیت در انسان‌ها و حیوان‌ها مطلع بودند. اما بعدها دانشمندان دانستند که نوعی از زوجیت در گیاهان هم هست. در بسیاری از آن‌ها نر و ماده بر یک پایه قرار دارند و در برخی دیگر درخت نر از درخت ماده جداست.

امروزه روشن شده که گونه‌هایی از زوجیت در سایر موجودات هم وجود دارد، مانند بار مثبت و منفی الکترون و پروتون و بارهای مغناطیسی متضاد. قرآن کریم از این زوجیت‌ها خبر داده است. مثلاً می‌فرماید که ما زمین را گستراندیم و کوه‌های بلند و استوار را بنا نهادیم و از هر گیاهی به صورت زوج در آن رویاندیم.^۲ آن‌گاه دامنه زوجیت را توسعه می‌دهد و به همه اشیاء می‌رساند و می‌فرماید از هر چیز دو گونه آفریدیم.^۳

۲- تا قبل از قرن هجدهم دانشمندان فکر می‌کردند که ستارگان به سقف آسمان‌ها، چسبیده‌اند و به همین علت نمی‌افتند. اما قرآن کریم از وجود جاذبه میان ستارگان، به طوری که همه مردم بفهمند خبر داد و آن را عامل درهم نرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود: «خداوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است.»^۴

۱- البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای نشان دادن عظمت خلقت و واداشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از همین روست که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

۴- رعد، ۲

۳- ذاریات، ۴۹

۲- ق، ۷

امّی بودن پیامبر ﷺ و معجزه بودن قرآن

از موضوعات شگفت‌انگیز و زیبا عرضه قرآن کریم توسط پیامبری امّی و درس‌نخوانده بود. مورخان نوشته‌اند که تا قبل از ظهور اسلام، آموختن علم در میان مردم حجاز مرسوم نبود و جایی برای درس خواندن وجود نداشت. رسول خدا ﷺ نیز که قبل از تولد، پدر و پس از مدتی مادر خود را از دست داده بود، مطابق رسم زمانه نزد کسی درس نخواند و خواندن و نوشتن نیاموخت. در عین حال، از همان ابتدای بعثت، آیاتی را بر مردم خواند که برترین معارف را در زمینه خداپرستی، معاد، انسان‌شناسی، اخلاق و سایر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی دربرداشت و بزرگ‌ترین دانشمندان را به تکاپو واداشت و فیلسوفان، عارفان و ادیبان را خاضع کرد.



به فعالیت «پیام آیات» نگاه کنید و ببینید این ویژگی با کدام یک از پیام‌های

استخراج شده مطابقت دارد.

پیام شماره

برای مطالعه

الف) نمونه‌هایی از اعجاز محتوایی قرآن :

۱- شاید نتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم بر تعقل، تفکر و علم‌دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۲۸۰ بار از تذکر و ذکر، ۱۸۵ بار از گوش‌دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۹ بار از ژرف‌اندیشی و تفقه، ۱۸ بار از فکر کردن، ۸ بار از تدبیر کردن، ۸ بار از برهان، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل، ۱۱۴ بار از حکمت و مشتقات آن‌ها و نیز ده‌ها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت و تعقل نکردن وجود دارد.

۲- در نظام اجتماعی و سیاسی آن عصر از جمله در نظام اجتماعی روم و ایران، مردم به طبقات

عالی و پست تقسیم می‌شدند. کسانی که جزء طبقه پست بودند، حقوق اجتماعی کمتری داشتند. قرآن کریم با این موضوع به شدت مبارزه کرد و فرمود :

«ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را شاخه شاخه و قبیله قبیله کردیم تا یک‌دیگر را باز شناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. البته خدا دانا و آگاه است.»^۱

۳- در جامعه آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. در آن جامعه، زن ارزشی شبیه اموال داشت. خانواده‌ای که فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد^۲ و کار به جایی می‌رسید که گاهی پدر نوزاد دختر را زنده به گور می‌کرد. در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد^۳ و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند.^۴ همچنین به کسانی که دختران را زنده به گور می‌کردند، بیم آتش جهنم داد و فرمود در روز قیامت درباره این دختران سؤال می‌شود که به چه علتی زنده به گور شدند.^۵

علاوه بر این، قرآن کریم برای زنان حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشید و بهره کارش را از آن خودش دانست؛ هزینه خانواده را از دوش او برداشت و بردوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوء استفاده مرد قرار نگیرد.

ب) نظر برخی از دانشمندان درباره قرآن کریم :

دانشمندان و متفکران امروز جهان، حتی کسانی که مسلمان نیستند، در برابر عظمت و بزرگی آن احساس خضوع می‌کنند و از این کتاب به بزرگی یاد می‌نمایند که این نشان حضور زنده و شاداب قرآن در دنیای امروز است. به نمونه‌ای از اظهارنظرهای دانشمندان معاصر در این باره توجه کنید :

۱- آلبرت اینشتین (متفکر و فیزیکدان بزرگ) Albert Einstein

قرآن، کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه

۱- حجات، ۱۳

۲- نحل، ۵۸

۳- نحل، ۹۷

۴- آل عمران، ۱۹۵

۵- تکویر، ۹

۶- برگرفته از کتاب «قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان»، از محمد مهدی علیقلی و تلخیص کاظم تقی‌زاده

راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.

۲- پرفسور هانری کربن (فیلسوف معاصر فرانسوی) H. Corbin

اگر اندیشهٔ محمد صلی الله علیه و آله خرافی بود و اگر وحی او وحی الهی نبود، هرگز جرأت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ یک از افراد بشر و هیچ شیوهٔ تفکری به اندازهٔ محمد صلی الله علیه و آله و قرآن، انسان را به دانش دعوت نکرده‌اند؛ تا آن‌جا که در قرآن، نهصد و پنجاه بار از علم، فکر و عقل سخن به میان آمده است.

۳- دکتر گوستاو لوبون (مورخ بزرگ فرانسوی) D. Goustawe Lebon

قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است، به تعلیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آن‌ها، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد متعددی بر آن تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات انجیل است.

۴- لئون تولستوی (فیلسوف و نویسندهٔ شهیر روسی) Lion Tolstue

هر کس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه بودن اسلام را دریابد، باید قرآن مجید را مطالعه کند؛ در آن‌جا قوانین و تعلیماتی بر مبنای حقایق روشن و آشکار صادر و احکام آسان و ساده برای عموم بیان شده است.





۱- اگر اعجاز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زمان خودش اختصاص داشت، چه مشکلی پیش می‌آمد؟

۲- چرا خداوند در آیه ۸۲ سوره نساء می‌فرماید «اگر قرآن از غیر خدا بود، اختلاف و ناسازگاری بسیاری در آن مشاهده می‌شد»؟

۳- با بررسی اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (۵ آیه اول سوره علق)، توضیح دهید که چگونه این آیات نشان‌دهنده تأثیرناپذیری قرآن از فرهنگ و عقاید دوران جاهلیت است.



۱- کدام پیام قرآن توجه شما را به خود جلب کرده و بر شما تأثیر عمیقی داشته است؟ آن را در قالب یک مقاله یا هر طرح زیبای دیگر در کلاس گزارش کنید.

۲- درباره معجزات پیامبران دیگر تحقیق کنید و توضیح دهید که آن‌ها چگونه با این معجزات حقانیت رسالت خود را ثابت می‌کرده‌اند.

۳- اگر دوست دارید کتاب خدا دائماً با شما سخن بگوید و شما هم مرتب خود را با راهنمایی‌های قرآن ارزیابی کنید، دفترچه‌ای تهیه نمایید و هر وقت قرآن می‌خوانید، هر نکته‌ای را که به نظر تان جالب آمد و هر دستورالعمل کاربردی را که یافتید، در آن دفترچه یادداشت نمایید. این دفترچه و دفترچه‌های بعدی، در آینده مجموعه‌ای بسیار غنی از آیات برای استفاده در زندگی روزانه در اختیار شما می‌گذارد. بدین ترتیب درهای تدبیر در قرآن به روی شما گشوده می‌شود و از قرآن خواندن خود بهره و لذت بیشتری می‌برید.

صَلَّى
عَلَيْهِ
وَالِه
وَسَلَّمَ

گستره رسالت پیامبر

رسول خدا ﷺ، به عنوان آخرین پیام رسان الهی، به مدت بیست و سه سال مردم را به دین اسلام فراخواند و برای رستگاری آنان و نجاتشان از گمراهی تلاش و مجاهده کرد و با استقامت و صبری بی مانند، وظیفه سنگین رسالت را به پایان رساند. در این درس، می خواهیم به این سؤال پردازیم که قلمرو رسالت پیامبر اکرم ﷺ تا کجاست؟ و ایشان مسئول چه کارهایی است؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ
يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ
وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

آل عمران، ۱۶۴

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ
فَإِنْ تَوَلَّوْا
فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

آل عمران، ۳۲

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا
يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ
يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

.....

بقره، ۲۵۷

...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ
و خداوند هرگز برای کافران
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا
به زیان مؤمنان راهی قرار نداده است.

نساء، ۱۴۱

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
آیا ننگریستی به کسانی که
يَرْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا
گمان می کنند ایمان آورده اند
بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ
به آنچه بر تو نازل شده
وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
و به آنچه پیش از تو نازل شده
يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
می خواهند داوری نزد طاغوت برند
وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ
درحالی که باید به او کافر شوند؟
وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ
و شیطان می خواهد که گمراهشان کند
ضَلَالًا بَعِيدًا
گمراهی دور.

نساء، ۶۰

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
.....
وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
.....
لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ
.....

حدید، ۲۵



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

مَنْ : منت گذاشت تَوَلَّوْا : روی برمی گردانند يَعْصِ : سرپیچی کند

پیام آیات

سوره/ آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، جمله های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- یکی از وظایف پیامبر اکرم (ص) است.
.....	۲- وظیفه دیگر ایشان و تعلیم کتاب و حکمت می باشد.
.....	۳- هر انسانی وظیفه دارد از و اطاعت کند.
.....	۴- آن کس می تواند از تاریکی به نور درآید که
.....	۵- اگر کسی ولایت و سرپرستی خداوند را نپذیرد و به ولایت درآید، نتیجه اش خواهد بود.
.....	۶- مسلمانان نباید
.....	۷- مسلمانان نباید برای داوری
.....	۸- مسلمانان وظیفه دارند جامعه ای براساس بنا کنند.

قلمرو رسالت

تعلیمات قرآن کریم و روش زندگی رسول خدا ﷺ بیانگر آن است که برنامه هدایت الهی و رسالت ایشان شامل سه قلمرو می شود.

۱- دریافت و ابلاغ وحی پیام شماره

رسول خدا ﷺ آیات قرآن کریم را به طور کامل از فرشته وحی دریافت می کرد و بدون کم و

کاست به مردم می‌رساند. برای حفظ پیام الهی و امکان دسترسی مردم به آن، عده‌ای از یاران آن حضرت آیات قرآن را می‌نوشتند. عده زیادی هم بودند که آیات و سوره‌ها را در سینه خود حفظ می‌کردند. نویسندگان قرآن را «کاتبان وحی» و حفظ‌کنندگان آیات را «حافظان وحی» می‌نامیدند. اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن، حضرت علی علیه السلام بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این مسئولیت را به‌طور کامل به انجام رساند و قرآن کریم را مرتب و تنظیم کرد و در اختیار آیندگان قرار داد. اکنون که قرن‌ها از زمان نزول قرآن می‌گذرد، این کتاب آسمانی به همان صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیات و سوره‌های آن را تنظیم کرده بود، در میان مردم وجود دارد و مشتاقان هدایت به آسانی می‌توانند از آن بهره ببرند و راه رستگاری را در کلام خداوند بیابند.

۲- تعلیم و تبیین تعالیم وحی (مرجعیت دینی)

پیام شماره.....

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، فقط رساننده وحی نبود بلکه وظیفه تعلیم و تبیین قرآن کریم را نیز برعهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. از این رو، گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان با مراجعه به آن، به معنای واقعی بسیاری از معارف این کتاب پی می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ما هم اکنون، نماز، روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آن‌ها در قرآن کریم آمده، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام می‌دهیم. به‌راستی که ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.

۳- اجرای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه (ولایت ظاهری)

دیگر قلمرو رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ولایت بر جامعه است. ولایت به معنی سرپرستی و رهبری می‌باشد. ایشان، به محض این که مردم مدینه اسلام را پذیرفتند به مدینه هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (یعنی انصار) و مهاجرانی که از مکه آمده بودند، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، پی‌ریزی نمود. ایشان مسجد مدینه را که در همان روزهای اول ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد و به تدریج و با توسعه کشور اسلامی، احکام خداوند را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، قضایی، نظامی و فرهنگی، با کمک مردم به اجرا درآورد و به گسترش عدالت پرداخت. روایات متعددی از معصومین علیهم السلام نقل شده است که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آن‌ها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده‌اند. از جمله آن‌ها این حدیث از امام باقر علیه السلام است:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ

اسلام بر پنج پایه استوار است

عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

بر نماز و زکات

و الصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ

و روزه و حج و ولایت

و لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ

و به چیز دیگری دعوت نشده است.

كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ

آن طور که به ولایت دعوت شده^۱

این حدیث از اهمیت بسیار بالای ولایت حکایت می‌کند. زیرا وقتی ولایت و حکومت اسلامی برقرار شود، فرصت برای اجرای تمام احکام دین از جمله نماز، زکات، روزه و حج فراهم می‌شود و مردم اعمال خود را در سایه ولایت الهی انجام می‌دهند.

سؤال: چرا جامعه اسلامی نیازمند ولایت و حکومت است و رهبری اسلامی جزء احکام بسیار

مهم شمرده شده است؟

در پاسخ به این سؤال، دلایل زیر را ذکر می‌کنیم:

الف) جامعیت دین اسلام: اسلام یک دین کامل و دربردارنده هدایت انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی آن است. از آنجایی که حیات فردی و اجتماعی انسان امری به هم پیوسته و کاملاً مرتبط با یکدیگر است، برنامه هدایت وی نیز باید جامع و دربرگیرنده هر دو جنبه حیات انسان باشد و همه بخش‌های زندگی وی را پوشش دهد. مهم‌ترین بخش زندگی اجتماعی، حکومت و اداره جامعه و تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. چگونه ممکن است یک دین کامل، از این بخش زندگی که بر همه بخش‌ها تأثیر جدی می‌گذارد، غافل بماند و مردم را به یک نظام حکومتی درست راهنمایی نکند؟

ب) ضرورت اجرای احکام اسلامی: یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را براساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند ولی ابزار و شیوه رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم برای

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱

رسیدن به جامعه عادلانه احکامی مانند خمس، زکات، حفظ استقلال جامعه و نفی سلطه بیگانگان، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد دارد. روشن است که اجرای این قوانین بدون تشکیل حکومت اسلامی امکان پذیر نیست.

ج) پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت: ولی و سرپرست حقیقی انسانها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او باز گردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که خداوند آنها را تعیین نکرده و فرمان و قانونشان نشأت گرفته از قرآن، یعنی برخاسته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. مراجعه به «طاغوت» و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است.

د) حفظ استقلال جامعه اسلامی در برابر کفار: قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد که سلطه بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آنها نروند؛ این حکم قرآنی را «قاعده نفی سبیل» می‌گویند. مستکبران و ستمگران جهان همواره در پی آنند که بر جوامع دیگر مسلط شوند و از منابع مادی آنان بهره ببرند. تشکیل حکومت اسلامی، با آن رهبری که خداوند معین فرموده، هم مانع سلطه بیگانگان می‌شود و هم می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با سایر کشورها به گونه‌ای تنظیم کند که جامعه اسلامی استقلال خود را در جهات مختلف حفظ نماید و بیگانگان راهی برای تسلط بر مسلمانان نیابند.



امام خمینی «رحمة الله علیه» رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با بیان روشنگرانه خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنانی که از ایشان نقل می‌شود، بیندیشید و ببینید که با کدام‌یک از بندهای «الف» تا «د» ارتباط دارد.

ارتباط

سخنان امام خمینی «ره»

به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.^۱

مذهب اسلام هم‌زمان با این که به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر این که مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است.^۲

مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه اصلاح بشر شود، به قوه اجراییه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون — یعنی احکام شرع — یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت.^۳

با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و به‌طور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.^۴

ولایت معنوی، برترین مقام پیامبر

همان‌طور که دیدیم، رسول خدا از طرف خداوند دارای ولایت ظاهری است و سرپرستی و رهبری جامعه را برعهده دارد و با اجرای قوانین الهی جامعه اسلامی را اداره و رهبری می‌کند.

اما آن حضرت ولایت معنوی را که همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست و مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری است نیز داراست. این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم طبیعت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، خطری را از کسی دفع نماید و سایر حاجات مردم را در صورتی که صلاح آن‌ها در آن باشد، برآورده سازد.

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۷ و ۱۶۸

۱- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۰

۴- ولایت فقیه، ص ۲۶ تا ۳۴

۳- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۱۸

نمونه دیگر ولایت معنوی، هدایت بندگان خداست، نه از طریق آموزش معمولی و عمومی، بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات روحی و معنوی و تصرف در قلوب و مانند آن. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت معنوی به درجه ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت‌های معنوی را بیشتر کسب می‌کند و درمی‌یابد که خداوند چه نقش عظیمی برعهده رسول خدا ﷺ برای هدایت انسان‌ها گذاشته است. نمونه‌ای کامل از این نوع هدایت را می‌توانیم در رفتار رسول خدا ﷺ با حضرت علی رضی الله عنه ببینیم. آن حضرت که از همان دوران کودکی تحت تربیت رسول خدا ﷺ قرار گرفت، با استعداد بی‌نظیر خود مراتب کمال را در ایمان و عمل به سرعت می‌پیمود. به همین جهت، علاوه بر تربیت از روش‌های معمولی، از هدایت‌های معنوی رسول خدا ﷺ نیز بهره می‌برد. ایشان می‌فرماید: «روزی رسول خدا ﷺ هزار باب از علم به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می‌شد.»^۱

روشن است که آموزش این علوم از طریق آموختن معمولی نبود، بلکه به صورت الهام بر روح و جان حضرت علی رضی الله عنه بوده است.



۱- این توانایی اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارد، گرچه درجه کامل آن مخصوص ایشان است. قرآن کریم این توانایی را برای برخی دیگر از پیامبران و اولیای الهی ذکر می‌کند. حضرت یوسف علیه السلام تاویل خواب‌های پیچیده را به همان صورت که قرار بود اتفاق بیفتد بیان می‌کرد. حضرت سلیمان علیه السلام با پرندگان سخن می‌گفت و زبان حیوانات را می‌دانست. مشاور آن حضرت که نامش را آصف بن برخیا گفته‌اند، تخت پادشاه سبا را در یک چشم به هم‌زدن از سرزمین قوم سبا به دربار سلیمان علیه السلام آورد.

۲- نمونه دیگر، بهره‌مندی اویس قرنی از این هدایت است. وی، جوانی از اهل یمن بود که بدون دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان ایمان آورد و با اینکه هیچ‌گاه موفق به دیدن رسول خدا نشد، به درجات بالایی از ایمان و عمل رسید. یک بار هم برای دیدار، به مدینه آمد، رسول خدا در مدینه نبود

و ناچار شد به سرعت به شهر خود بازگردد. زیرا مادر پیر و سالخورده‌ای داشت و مادرش از او قول گرفته بود که بیش از چند ساعتی در مدینه نماند و زود برگردد. عشق و ارادت او پس به رسول خدا بسیار قوی بود. رسول خدا نیز به ایشان محبت داشت و گاه می‌فرمود رایحهٔ بهشت را از یمن استشمام می‌کنم. او پس از همان دور توسط رسول خدا تربیت شد و به درجات بالایی از کمال رسید. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله خدمت امام علی علیه السلام رسید و از یاران با اخلاص ایشان شد و بالاخره در جنگ صفین به شهادت رسید.

این هدایت معنوی شکل‌ها و صورت‌های مختلف دارد و با لیاقت و استعداد افراد متناسب است. بسیار پیش آمده که عالمان پاک سرشتی با همهٔ تلاشی که کرده‌اند، در حل یک مسئلهٔ علمی بازمانده‌اند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت الهام در خواب یا در بیداری، پاسخ صحیح را به آن‌ها داده است. بسیاری از ابعاد ولایت معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر پیشوایان بزرگوار در زیارت جامعه ذکر شده که می‌توان به آن مراجعه کرد.



۱- آیه ۱۵ سورهٔ شوری را مطالعه کنید و ببینید که این آیه بر کدام یک از قلمروهای رسالت پیامبر دلالت دارد.

۲- نمونه‌هایی از احکام اجتماعی اسلام را که اجرای آن‌ها نیازمند تشکیل حکومت است، بیان کنید.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان مرجع دینی مسلمانان، چه کارهایی را انجام می‌داد؟



۱- اگر بخواهید یکی از ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را انتخاب کنید و ایشان را از آن زاویه توصیف کنید، کدام را انتخاب می‌کنید؟ با انتخاب و توصیف خود، توانایی‌تان را تجربه کنید.

۲- اگر شعر، قطعهٔ ادبی، حدیث یا داستان کوتاه زیبایی دربارهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله سراغ دارید، آن را بنویسید و در کلاس بخوانید.

تداوم رسالت

چون قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و رسول خدا ﷺ خاتم پیامبران است، می‌توان پرسید:

طرح و برنامه خداوند برای جامعه اسلامی، پس از رحلت رسول خدا (ص) چیست؟

این جامعه در چه مسیری و چگونه باید حرکت کند؟

رهبری این نظام در طول تاریخ آینده برعهده چه کسانی باید قرار بگیرد؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

..... أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

..... وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

پس اگر در چیزی ستیزه و نزاع کردید

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

آن را به خدا و پیامبر باز گردانید

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید؛

ذَلِكَ خَيْرٌ

این، بهتر است

و أَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و سرانجامش نیکوتر است.

نساء، ۵۹

..... إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

..... وَالَّذِينَ ءَامَنُوا

..... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

..... وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

..... وَ هُمْ رَاكِعُونَ

مائده، ۵۵

..... يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
 بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
 وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
 فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
 وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

مائده، ۶۷

... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
 هَمَانَا خدا اراده کرده که دور گرداند
 عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
 از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی را
 وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا
 و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد

احزاب، ۳۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

وَلِيّ: سرپرست	أُولَى الْأَمْرِ: صاحبان امر
لَمْ تَفْعَلْ: انجام ندهی	بَلِّغْ: برسان
يَعْصِمُكَ: تو را نگه می‌دارد.	مَا بَلَّغْتَ: نرسانده‌ای

۱- مقصود از پلیدی و ناپاکی، هرگونه گناه و آلودگی اخلاقی است.

برای رسیدن به پاسخ سؤالی که در ابتدای درس طرح شد، قبل از هر چیز لازم است مشخص شود که در میان قلمروهای سه‌گانه رسالت پیامبر، کدام یک با رحلت ایشان پایان می‌پذیرد و کدام یک باید ادامه یابد.

بنابر آنچه در درس چهارم آمد، قلمرو اول رسالت - یعنی دریافت و ابلاغ وحی - با وجود قرآن و حفظ آن در میان مسلمانان پایان می‌پذیرد و آن بخش از رسالت پیامبر که مربوط به نبوت می‌باشد، با رحلت ایشان تمام می‌شود و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «خاتم النبیین» است.

اما دو قلمرو دیگر به همان دلایلی که در زمان حیات ایشان ضروری بود، پس از ایشان نیز ضروری است و ادامه می‌یابد. زیرا با گذشت زمان و گسترش سرزمین اسلامی، ظهور فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نیاز به امام و رهبری که جامعه اسلامی را به سوی رستگاری و عدالت هدایت کند، همچنان وجود دارد.

یعنی همان‌طور که در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «تعلیم و تبیین تعالیم دین»، «ولایت و سرپرستی جامعه» ضروری بود و ایشان این مسئولیت‌ها را از جانب خداوند انجام می‌داد، ضروری است که پس از ایشان، کسانی به عنوان «امام» از جانب خداوند این مسئولیت‌ها را به انجام رسانند و راه پیامبر را ادامه دهند. همچنین لازم است انسان‌هایی که قلب و جان خود را لایق پذیرش هدایت معنوی کرده‌اند، از این هدایت نیز برخوردار شوند.



با توجه به توضیحات قبل، در این حدیث بیندیشید و ببینید چرا پیامبر فرموده

است :

هر کس بمیرد

مَنْ مَاتَ

و امام زمان خود را نشناخته باشد

وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ

به مرگ جاهلی مرده است.^۱

مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

۱- الغدير، علامه امینی، ج ۱ ص ۳۵۹، به نقل از بزرگان اهل سنت مانند تفتازانی در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵

تعیین امام

اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا ﷺ روشن شده این سؤال پیش می‌آید که چه کسی امام را معین و معرفی می‌کند و چگونه می‌توان او را شناخت.

از آن‌جا که امام همهٔ مسئولیت‌های پیامبر اکرم ﷺ جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد، باید صفات و ویژگی‌های خاصی داشته باشد تا مردم در درستی راهنمایی‌ها و فرمان‌های وی به یقین و اطمینان برسند. از جملهٔ این ویژگی‌ها «عصمت» است. تشخیص عصمت برای انسان‌ها ممکن نیست؛ بنابراین، همان‌طور که پیامبر از طرف خدا معین می‌شود، تنها کسی که می‌تواند فرد شایستهٔ مقام امامت را معرفی کند، خداست.

با تدبر در آیات و روایات مطمئن و مسلم نقل شده از پیامبر و مطالعهٔ تاریخ اسلام در می‌یابیم که خداوند، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به جانشینی رسول خدا ﷺ و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده است.

در این‌جا به تدبر در برخی از این آیات و روایات مربوط به امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پردازیم.

روش تدبری ما در این درس، کمک گرفتن از روایات و وقایع تاریخی در تبیین آیات است.

۱- معرفی امام در مراسم دعوت خویشان: حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد: «خویشان نزدیک خود را انذار کن.»^۱ برای انجام این دستور، رسول خدا ﷺ چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم را دعوت کرد و دربارهٔ اسلام با آنان سخن گفت و در پایان به آنان فرمود:

کدام یک از شما مرا در این راه کمک می‌دهد تا برادر من، وصی من و خلیفهٔ من در میان شما باشد؟

همهٔ مهمانان سکوت کردند. در میان سکوت آنان که به پیروزی و گسترش دین پیامبر امید می‌داشتند، علی بن ابی طالب علیه السلام که در آن زمان نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

«من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا!»

درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار مطرح شد و هر بار همه سکوت کردند و تنها علی علیه السلام قاطعانه

اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر ﷺ دست ایشان را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

«همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.»^۱



چرا پیامبر اکرم ﷺ در شرایطی که حتی خویشانش نیز دعوت او را نپذیرفته بودند، جانشین خود را معین کرد؟ انجام دادن این کار در ابتدای دعوتش به چه معناست؟

۲- نزول آیه ولایت: در یکی از روزها، نزدیک ظهر، فرشته وحی آمد و از جانب خداوند آیه‌ای آورد که در آن ویژگی‌های ولی و سرپرست مسلمانان مشخص شده بود. در این آیه، ابتدا خداوند و سپس پیامبر و پس از ایشان کسی به عنوان ولی معرفی شده بود که به خدا ایمان دارد، نماز را برپا می‌دارد و در حال رکوع صدقه می‌دهد.

هنگامی که رسول خدا ﷺ دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده است و کسی در رکوع صدقه داده و خداوند قصد معرفی او را دارد، با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پرسید:

آیا کسی در حال رکوع صدقه داده است؟

فقیری که انگشتی در دست داشت، به حضرت علی رضی الله عنه که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت:

آری، این مرد در حال رکوع، انگشتی خود را به من بخشید.

صدای تکبیر یاران بلند شد و رسول خدا ﷺ ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.

نزول این آیه در هنگام انجام واقعه‌ای که مردم ناظر آن بودند و اعلام این حقیقت از جانب رسول خدا ﷺ که مصداق آیه امام علی رضی الله عنه است، برای آن بود که مردم به چشم خود ببینند و از زبان پیامبر

۱- تاریخ طبری، ج ۲ ص ۶۲ و ۶۳ و کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۷ و تاریخ پیامبر اسلام از دکتر محمد آیتی؛ برای مطالعه کامل داستان،

به کتاب سلام بر خورشید از سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۷۱ مراجعه کنید.

بشنوند و امکان کتمان و مخفی کردن آن از بین برود^۱.
سوره ، آیه

۳- نزول آیه تطهیر: اُمّ سلمه، همسر رسول خدا ﷺ، می گوید: روزی ایشان در خانه استراحت می کرد که دختر بزرگوارش فاطمه زهرا (س) وارد شد. پیامبر ﷺ ایشان را به کنار خود دعوت کرد. حضرت فاطمه (س) نزد پیامبر رفت و در کنار ایشان نشست. پس از وی به ترتیب، حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام آمدند. رسول خدا ﷺ آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان دعا کرد و فرمود:

«خدايا! اينان اهل بيت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!»

در همین زمان فرشته وحی آمد و آیه تطهیر را قرائت کرد.
سوره ، آیه



این آیه دربردارنده پیام های مهمی است. درباره آن بیندیشید و آن پیام ها را استخراج کنید.

۱- این آیه، عصمت حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیه السلام را اعلام می کند. زیرا

۲- اهل بیت به این معنای خاص که از هر پلیدی دور باشند، فقط

۳- چون اهل بیت معصوم هستند، سخن و عمل آنان

ام سلمه می گوید: «من هم پیش رفتم که در کنار آن ها قرار بگیرم تا از این افتخار بزرگ سهمی داشته و جزء اهل بیت باشم اما رسول خدا فرمود:

«ای ام سلمه، نه، تو همسر من هستی و عاقبت نیکویی داری اما اینان اهل بیت من اند.»

برای این که مردم از این موضوع مطلع شوند، پیامبر مدت ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد

۱- ۶۶ نفر از مفسران، مورخان و بزرگان اهل سنت، از جمله طبری، رازی، ثعلبی، قشیری، خوارزمی، ابن حجر و ابن کثیر این آیه را درباره حضرت علی علیه السلام دانسته اند. برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتاب القدير از علامه امینی، ج ۲، ص ۱۵۶ مراجعه کنید.

از درخانه فاطمه علیها السلام می گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می زد و آیه تطهیر را می خواند.^۱



نشانه های دیگری وجود دارد که نشان می دهد کلمه «اهل بیت» در این آیه به طور خاص به کار رفته است^۲ و سایر وابستگان، از جمله همسران پیامبر را شامل نمی شود :

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط این چهار نفر را کنار خود پذیرفت و در هنگام دعا فرمود «اینان از اهل بیت من اند». بلکه فرمود «اینان اهل بیت من اند».

۲- نقل کننده داستان، ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را از آمدن در کنار خود منع کرد تا نشان دهد که «اهل بیت معصوم» فقط همین افرادند.

۳- این آیه پاکی و عصمت کامل را بیان می کند. هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ادعای عصمت نکرده اند و خود را از گناه برآ نداشتند.

۴- در تاریخ ذکر نشده است که همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، چه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و چه پس از رحلت ایشان، آیه تطهیر را در مورد خود به کار ببرند و از این آیه برای اثبات بی گناهی خود استفاده کنند.

۵- آیات دیگری در قرآن هست که سرپیچی و نافرمانی برخی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را یادآوری و آنان را به خاطر نافرمانی توبیخ می کند. (از جمله آیات ۱ تا ۵ سوره مبارکه تحریم)

از آن جا که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از میان اهل بیت فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام حضور داشتند، در این داستان تنها نام این چهار بزرگوار ذکر شده است. در سخنان

۱- کتاب های بزرگ همه مسلمانان، مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل، سنن بیهقی، الدر المنثور سیوطی و أشد الغابہ ابن اثیر، آیه تطهیر را در حق همین پنج تن نقل کرده اند (غایۃ المرام، ص ۲۸۱).

۲- در قرآن کریم هم کلمه «اهل» برای اعضای خاصی از خانواده به کار رفته است. آن گاه که عذاب الهی بر قوم نوح علیهم السلام نازل شد و آب همه جا را گرفت، فرزند نوح علیه السلام نیز که از کافران بود، در حال غرق شدن، در آب دست و پا می زد. حضرت نوح علیه السلام که او را در میان آب دید، روبه خدا کرد و گفت : خدایا، این از اهل و خانواده من است. اما با این که او فرزند نوح بود، خداوند فرمود : او از اهل تو نیست. یعنی، او لیاقت ندارد جزء خانواده تو باشد؛ زیرا اهلیت، ویژگی های خاصی را می طلبد که در پسر حضرت نوح علیه السلام نبود. در این حدیث نیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با این عمل خود نشان داد که فقط این چهار نفر اعضای معصوم خانواده اند.

دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان بعدی هم جزء اهل بیت شمرده شده‌اند.

۶- ممکن است کسی بپرسد: چرا رسول خدا همسران متعدد داشته است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سن ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ازدواج کرد. قبل از آن نیز در زمانی که دوران جوانی را می‌گذراند، به پاکدامنی و عفاف مشهور بود. توجه به خداوند، پرورش روح خود و نجات مردم چنان ایشان را مشغول کرده بود که توجهی به ازدواج نداشت؛ تا این که پیک حضرت خدیجه آمد و علاقه‌مندی وی را به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند. حضرت خدیجه ۳۵ سال داشت و ۱۰ سال از رسول خدا بزرگ‌تر بود. اما چون پیامبر اکرم از شخصیت اصیل، عفاف و پاکی وی خبر داشت، به خواستگاری خدیجه رفت. این درحالی بود که زیبایی ظاهری، اخلاق نیکو و اصالت خانوادگی رسول خدا به گونه‌ای بود که دختران بزرگان شهر خواهان ازدواج با او بودند.

رسول خدا در تمام دوران زندگی با حضرت خدیجه، یعنی تا سن ۵۰ سالگی همسر دیگری انتخاب نکرد و تمام دوران جوانی، میان‌سالی و تا آستانه‌ی پیری را فقط با وی گذراند. آن هم در جامعه‌ای که ازدواج‌های متعدد منعی نداشت. این رفتار، گویای آن است که هوس‌رانی در وجود پیامبر ما راه نداشت و اگر پس از آن با همسران دیگری ازدواج کرد، عموماً به خاطر مصلحت خاصی مانند حمایت از آن زن، جلوگیری از خون‌ریزی و قتل، جلب‌نظر خانواده‌ها و قبایل به اسلام و با رضایت کامل خود آن‌ها بوده است. (برای کسب اطلاع بیش‌تر رجوع کنید به کتاب بررسی‌های اسلامی، از علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۳۱، چاپ بوستان کتاب قم).

۴- حدیث جابر: وقتی آیه ۵۹ سوره نساء که در ابتدای درس آمده، نازل شد، جابر بن عبدالله انصاری به پیامبر گفت: «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم. لازم است «اولوا الامر» را هم بشناسیم.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من‌اند. نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب: حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی - که در تورات به «باقر» معروف است - و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هروقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی نیز به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن

محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می باشد که هم نام و هم کنیه من است.^۱ اوست که از نظر مردم پنهان می شود و غیبت او طولانی می گردد تا آن جا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می مانند.^۲

ارتباط میان آیه و حدیث

با تفکر در آیه ۵۹ سوره نساء و حدیث جابر، پیام های زیر را تکمیل کنید.

۱- مسلمانان باید در برنامه های زندگی خود از، اطاعت کنند.

۲- از آنجا که این سه اطاعات در کنار هم قرار گرفته اند، سرپیچی از هر مورد است.

۳- از آنجا که مصداق در آیه مشخص نشده، برای آگاهی مردم و اشتباه نکردن آن ها لازم است که رسول خدا

۴- بنابر سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کسانی که مصداق هستند، عبارتند از:

.....
.....
.....

۵- حدیث ثقلین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور مکرر، از جمله در روزهای آخر عمر خود، می فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم:

كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي کتاب خدا و عترتم اهل بیت را.

مَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا تا وقتی که به این دو تمسک جوئید

۱- کنیه پیامبر «ابوالقاسم» است.

۲- کفایة الاثر، چاپ قدیم، ص ۸ و ینایع المودة، ص ۴۹۴ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۲۳.

لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا
وَأِنَّهُمْ لَنْ يَفْتَرِقَا
حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ

هرگز گمراه نمی شوید
و این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی شوند
تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند^۱.



با تفکر در این حدیث، چه پیام‌هایی را می‌توان استخراج کرد؟

- ۱- همان طور که قرآن و پیامبر لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت نیز همواره با هم‌اند.
- ۲- همان طور که قرآن همیشگی است، وجود معصوم نیز در کنار آن همیشگی می‌باشد.

۳- در صورتی مسلمانان گمراه نمی‌شوند که

۴- نمی‌توان برای هدایت

۶- حدیث منزلت: وقتی خداوند حضرت موسی عليه السلام را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی عليه السلام را پذیرفت.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بارها به حضرت علی عليه السلام فرمود:

أَنْتَ مِنِّي
بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى
إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

تو برای من
به منزله هارون برای موسی هستی؛
جز این که بعد از من پیامبری نیست.^۳

۱- این حدیث متواتر است و آن قدر از اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد. برای کسب اطلاعات بیشتر به امام‌شناسی علامه حسینی تهرانی، ج ۱۳ مراجعه کنید.

۲- طه، ۲۹ تا ۳۵

۳- علامه حسینی تهرانی (ره) در جلد دهم امام‌شناسی می‌گوید که این حدیث مورد اتفاق علمای اسلام از اهل سنت و شیعه است. همچنین: بنایع المودة، باب ۶، ص ۵۰.

۷- حدیث غدیر : پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را به جا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان برگزار شد، به «حَجَّةُ الْوَدَاع» مشهور است. در این مراسم حج، حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند تا روش انجام دادن اعمال حج را از ایشان فراگیرند و اعمال را همراه ایشان به جا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه ذیحجه، در محلی به نام غدیر خم^۱ آیه ۶۷ سوره مائده که در ابتدای درس آمده، نازل شد.



در این آیه، تدبیر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- خداوند چه فرمانی به پیامبر می‌دهد؟

.....

۲- اهمیت این فرمان چقدر است؟

.....

۳- چرا خداوند به پیامبر اکرم وعده می‌دهد که او را حفظ خواهد کرد؟

.....

بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفته‌اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به جا آوردند و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. در این جا از مردم پرسید :

ای مردم

چه کسی به مؤمنان

از خودشان سزاوارتر است؟^۲

أَيُّهَا النَّاسُ

مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ

مِنْ أَنْفُسِهِمْ

۱- غدیر به معنای پرکه آب، و حُم نام محل تلاقی راه‌های مدینه، عراق، شام و مصر بود و کاروانیان در آن‌جا به هم می‌رسیدند یا از هم جدا می‌شدند.

۲- یعنی، چه کسی بر آن‌ها ولایت و سرپرستی دارد و باید به فرمان‌هایش عمل کنند؟

گفتند: خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.

سپس، فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ
فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاَهُ
هرکس که من ولی و سرپرست اویم،
علی نیز ولی و سرپرست اوست.

و این جمله را سه بار تکرار کرد.

در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غایبان برسانند. پس از آن، مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند.

سخنان پیامبر ﷺ در این واقعه از جهت سلسلهٔ روایان حدیث چنان محکم است که شاید کمتر حدیثی مانند آن وجود داشته باشد. صدوده نفر از اصحاب پیامبر که در غدیر حاضر بوده‌اند، آن را بی هیچ واسطه‌ای از پیامبر نقل کرده‌اند. دانشمندان و تاریخ‌نویسان و مفسرانی از اهل سنت نیز این واقعه را با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده‌اند که نام سیصد و پنجاه نفر آن‌ها در کتاب «الغدیر»^۱ آمده است.

اگرچه بعد از رحلت پیامبر، زمامداری مسلمین به امام علی عليه السلام نرسید و واقعهٔ عظیم غدیر نادیده گرفته شد اما چگونگی برگزاری این مراسم و سخنان رسول خدا صلى الله عليه وآله روشنگر بسیاری از اتفاقات پس از ایشان است.

نتیجه‌گیری:

با بررسی این آیات و احادیثی که گفته شد، روشن می‌شود که:

الف) پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله، حضرت علی عليه السلام و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده‌دار مسئولیت امامت‌اند.

ب) لازمهٔ این مرتبه از جانشینی، علم و معرفت کامل و عصمت از گناه و اشتباه است؛ همان‌گونه که رسول خدا صلى الله عليه وآله این دو ویژگی را دارا بود.

ج) تعیین جانشین رسول خدا با هدایت و راهنمایی خداوند بوده و خداوند، ائمهٔ اطهار عليهم السلام را به این مقام برگزیده است.

د) حضرت فاطمه زهرا عليها السلام جزء اهل بیت است و اگرچه عهده‌دار امامت نبوده، اما دارای علم و عصمت کامل است و پیروی از کلام و رفتار وی بر همهٔ مسلمانان واجب و سرچشمهٔ هدایت و رستگاری است.

۱- الغدیر نام مجموعهٔ گرانمایی در اثبات واقعهٔ غدیر است که یکی از دانشمندان عالی‌قدر شیعه در عصر حاضر - علامهٔ امینی -

آن را در یازده جلد به زبان عربی نوشته است و خلاصهٔ آن به فارسی در یک جلد ترجمه شده است.

.....

یادغیر، تجدید بیعت با قهرمان عدالت، ایثار، حقیقت پرستی،
ایمان، شکیبایی، تقوا، خردمندی، مهرورزی، جهاد و عبادت است. یادغیر
کتمار پیسان با اولین امام و ابراز عشق، خضوع و سرسپردگی به اوست.

برنامه:

هر ساله در این روز پیمان وفاداری را با مولای خود تجدید می‌کنیم و برای
برگزاری یک جشن بزرگ، دست به دست هم می‌دهیم. هر یک مسئولیتی را
می‌پذیریم: در مدرسه، در محله، در مسجد محل و در خانه. زیباترین و با معنا ترین
جشن به یاد منظر زیبایی و کمال.

خدایا! ما را موقر بدار تا در این روز، با همه ی خوبان و خوبی‌ها پیمان
اخوت و برادری ببندیم و خود را از بدی‌ها پاک سازیم.



- دربارهٔ واقعهٔ بزرگ غدیر بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :
- الف) چرا مراسم غدیر هم‌زمان با بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان برگزار شد؟
- ب) چرا خداوند انجام ندادن این مأموریت را مساوی با عدم انجام رسالت اعلام کرد؟
- ج) تبریک و تهنیت مردم به حضرت علی علیه السلام پس از پایان مراسم نشانهٔ چیست؟



- ۱- مراسم غدیر را در شعر یا نثری شیوا به تصویر بکشید یا آن را در قالب طرحی زیبا نقاشی کنید.
- ۲- داستان عشیرهٔ اقربین یا واقعهٔ غدیر یا حدیث کساء را به‌صورت داستان‌گویی و براساس کتاب «سلام بر خورشید»، در قالب نمایش اجرا کنید.





جایگاه تشیع

در درس قبل دانستیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرمؤمنان را از جانب خداوند به جانشینی خود منصوب کرد و از مسلمانان خواست که پس از خود از ایشان پیروی کنند.

در این درس می‌خواهیم بدانیم که نام «شیعه» از کجا پیدا شده و چه رابطه‌ای با اسلام دارد؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ هَمَانًا ابْرَاهِيمَ از پیروان او (نوح) است.

صافات، ۸۳

دَخَلَ الْمَدِينَةَ
عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا
فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ
هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ
وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ ...

قصص، ۱۵

وَالَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

بینه، ۷

به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

فَوَجَدَ : پس یافت، پس دید
شِيعَتِهِ : پیروان او، طرفداران او
يَقْتَتِلَانِ : با یکدیگر پیکار می کنند
خَيْرُ الْبَرِيَّةِ : بهترین مخلوقات

پیام آیات	سوره/ آیه
۱- کلمه شیعه در قرآن کریم به کار رفته و به معنای پیرو است.
۲- حضرت ابراهیم (ع) ، شیعه حضرت نوح (ع) است، یعنی پیرو او می باشد.
۳- در قرآن کریم، پیروان حضرت موسی نیز «شیعه» او نامیده شده اند.

معنای شیعه

«شیعه» در لغت به معنای پیرو، یار و طرفدار است. در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته و حضرت ابراهیم علیه السلام شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام معرفی شده است؛ با این که قرآن کریم آن بزرگوار را «مُسْلِم» نیز نامیده است^۱.

کاربرد لفظ شیعه توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که با ایمان و استقامت بی مانند خود دعوت مردم به اسلام را پیش می برد و به پیروزی حق بر باطل یقین داشت، از همان ابتدای رسالت، به فرمان الهی، تلاش می کرد، در موقعیت های مختلف، حضرت علی علیه السلام را که در ایمان و عمل بی نظیر و معصوم از گناه بود، به مردم معرفی کند و برای پس از خود ادامه راه را مشخص سازد و مانع سرگردانی مردم شود. و از آنجا که حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر، با حقیقت اسلام به طور کامل آشنا شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مردم یادآوری می کرد که پیروی از امام علی علیه السلام و عمل به دستورات او مانع گمراهی و سرگردانی می شود. و نجات جامعه بشری را به دنبال دارد. برای مثال، روزی در جمع یاران خود نشسته بود و با آنان گفت و گو می کرد. در این حال، حضرت علی علیه السلام را نشان داد و فرمود:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ
إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ
سَوْگَند به آن که جانم در دست اوست،
این شخص و پیروان او،

۱- ماکان ابراهیم یهودیّاً و لا نصرانیّاً و لکن کان حنیفاً مسلماً (آل عمران، ۶۷)

لَهُمُ الْفَائِزُونَ

قطعا این‌ها رستگارانند.^۱

پس اولین کسی که این عنوان را به کار برده، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و مسلمانان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله با این عنوان آشنا بوده و می‌دانسته‌اند که پس از رحلت ایشان، با پیروی از حضرت علی علیه السلام می‌توانند در راه راستین پیامبر قدم بردارند و به اسلام حقیقی عمل کنند. در حقیقت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خود، فعالیت‌های خودسرانه برای به دست گرفتن زمامداری و قدرت را پیش‌بینی می‌کرد. به همین علت، تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا شخصیت ممتاز حضرت علی علیه السلام را به مردم بشناساند، تعصبات جاهلی و قبیله‌ای را از افکار آنان بزداید و کسانی را که برای رسیدن به قدرت می‌خواهند از این اعتبارات استفاده کنند، به انزوا کشاند.

لازم است بدانیم که در آن زمان در میان قبایل بزرگی و شرافت مخصوص بزرگان و رؤسا بوده و فضایی چون علم، عدالت‌خواهی، جوان‌مردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس وقتی ارزش داشته است که رئیس قوم یا فرزندان و بستگان وی دارای آن صفات باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با این افکار جاهلی به شدت مبارزه کرد و ابهت این‌گونه اعتبارهای توخالی را درهم شکست اما تحولات فرهنگی امری تدریجی است و تغییر فرهنگ جاهلی به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ناگهانی صورت نمی‌گیرد و برنامه‌ای مستمر و مداوم نیاز دارد. به همین جهت بسیاری از افراد، میان فرمان پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و گاه در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان الهی، به سوی فرمان بزرگان قوم متمایل می‌شدند. قرآن کریم در آیات متعدد ضمن اشاره به این میل جاهلی، به مردم هشدار می‌دهد؛ از جمله در آیه ۵۰ سوره مائده می‌فرماید:

آیا به دنبال حکم جاهلیت هستید؟ و چه کسی بهتر از خدا حکم می‌کند برای مردمی که یقین دارند؟

از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی علیه السلام و اهل بیت را برای مردمی که قرن‌ها با نظام قبیله‌ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه شرافت می‌دانستند بیان می‌کرد تا دل‌های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیرعرب تفاوتی قائل نمی‌شوند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می‌خواندند و در زندگی

۱- الدرا المنثور، سیوطی، ذیل آیه «أُولَئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (آیه ۷ سوره بینه)، همچنین در تاریخ ابن عساکر، نسخه خطی، ص ۳۸۲ آمده

است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: إِنَّ عَلِيًّا وَ شِعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ.

دنیایی مانند معمولی ترین افراد زندگی می کردند. از جمله فرموده اند^۱ :

- ۱- عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ علی با قرآن است و قرآن با علی است.
- ۲- عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ علی با حق است و حق با علی است.
- ۳- أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ من و علی، پدران این امتیم.



علاوه بر سخنان پیشین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است :

- ۱- حَقُّ عَلِيٍّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ حق علی بر این امت
كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ مانند حق پدر بر فرزندش است.
- ۲- النَّظَرُ إِلَيَّ وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ نگاه کردن به روی علی عبادت است.
- ۳- إِنْ وَصِيَّيَ وَ وَاثِرِي وصی من و وارث من
وَ مُنْجِزُ وَعْدِي و وفاکننده به وعده های من،
عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علی بن ابی طالب است.^۲

حضرت علی تربیت یافته پیامبر گرامی

حضرت علی رضی الله عنه کودکی بیش نبود که به خانه پیامبر آمد، از همان زمان، تربیت وی در دامن پیامبر آغاز گردید و درهای دانش الهی به رویش گشوده شد. ایشان در این باره می فرماید : «خداوند بزرگ ترین فرشته خود را همراه رسول خدا قرار داد. آن فرشته، شب و روز راه کسب مکارم و زیبایی های

۱ و ۲- مجموعه این احادیث از امام شناسی علامه حسینی تهرانی، ج ۷، ص ۱۵ به بعد نقل شده و در آن کتاب، منابع شیعه و اهل سنت این احادیث ذکر شده است.

اخلاق را به ایشان نشان می‌داد و من، در نهایت عشق و شیفتگی از آن حضرت تبعیت می‌کردم و ایشان را همراهی می‌نمودم.^۱»

این تربیت بدان جهت بود که حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله راه آن حضرت را ادامه دهد و با تکیه بر دانش الهی خود، مردم را در زمینه احکام و معارف دینی هدایت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در هر فرصتی که پیش می‌آمد، این مقام علمی را به اطلاع مردم می‌رساند. در این جا به یک مورد از سخنان آن حضرت اشاره می‌کنیم:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ مِنْ شَهْرِ عِلْمِ هَسْتُمْ
وَعَلِيٌّ بِأَبْهَا وَ عَلِيٌّ دَرِ آن است.
فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ هر کس می‌خواهد به این علم برسد
فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا باید از درِ آن وارد شود.^۲

مطابق با این حدیث، نکات زیر به دست می‌آید:

اولاً حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه داناتر است؛
ثانیاً حضرت علی علیه السلام در علم خود معصوم است؛ و گرنه رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌فرمود که همه باید به ایشان مراجعه کنند.

ثالثاً بر مردم واجب است که از دانش حضرت علی علیه السلام بهره ببرند و مطابق نظر ایشان عمل کنند؛ زیرا ایشان راه رسیدن به علم پیامبر است و بهره‌مندی از علم پیامبر هم بر همه واجب است. به همین جهت روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، من شهر حکمتم و تو درِ آن شهر هستی. هیچ‌گاه نمی‌توان وارد شهری شد، مگر از درِ آن. دروغ می‌گوید کسی که می‌پندارد مرا دوست دارد، درحالی‌که دشمنی و کینه تو در دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو. نجات و رستگاری از آن کسی است که از تو پیروی کند و بدبخت کسی است که با تو درافتد و مخالفت نماید. آن کس سود می‌برد که ولایت تو را بپذیرد و تهی دست کسی است که با تو دشمنی کند. کسی به فلاح می‌رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می‌رسد کسی که از تو دوری گزیند. مثل تو و امامان از فرزندان تو، مثل کشتی نوح است؛ هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر کس سرپیچی کند، هلاک شود. مثل شما مثل

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۲- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۸۱ و امام شناسی، علامه حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱.

ستارگان آسمان است که چون ستاره‌ای غایب شود، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند تا روز قیامت.^۱ جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا ﷺ می‌گوید: «در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا بودیم که حضرت علی رضی الله عنه وارد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برادرم به سویتان آمد. سپس، رو به سمت کعبه کرد و با دست به آن زد و فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد و پیروان او رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات‌اند. سپس، فرمود: این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات بین آن‌ها و ارجمندترین شما نزد خداست.

در همین هنگام آیه زیر بر پیامبر خدا نازل شد:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ
آنان که ایمان آوردند
و کارهای شایسته انجام دادند،
اینان بهترین مخلوقات‌اند.^۲

مقام و منزلت حضرت علی رضی الله عنه نزد خدا و تمجیدهای فراوان رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ایشان، بدون سبب و یا به خاطر خویشاوندی با پیامبر نیست، بلکه به خاطر «ایمان» بی نظیر و «عمل» بی مانند ایشان است. صداقت، ایثار، جهاد، یک‌رنگی، وفا، عبادت، علم و سایر کرامت‌های اخلاقی ایشان را به چنین مقامی رسانده است.

یکی از ویژگی‌های ممتاز امیر مؤمنان عدالت‌خواهی و دفاع از مظلومان بود. آن حضرت «عدالت اجتماعی» را رسالت پیامبران می‌شمرد و در دفاع از عدالت از پیشتانان بود. مردمی که با نظام جاهلانه و ظالمانه قبل از اسلام خو گرفته بودند و فقط در دوره کوتاه ده ساله رهبری رسول خدا در مدینه نسیم عدالت را حس کرده بودند، پس از رسول خدا به تدریج در جاده انحراف قدم گذاشتند به گونه‌ای که وقتی امیر مؤمنان به حکومت رسید، بازگشت به عدالت و مساوات را سرلوحه کار خود قرار داد. به همین جهت مظلومان و ستم‌دیدگان، در نقاط مختلف جهان اسلام شیفته ایشان شدند و به رهبری وی دل بستند. اما با شهادت امیر المؤمنین و روی کار آمدن بنی امیه و بنی عباس

۱- غایة المرام، ج ۲، ص ۵۲۲ به نقل از شیخ صدوق با سند متصل از سعید بن جبیر از ابن عباس.

۲- بیته، ۷

امید مظلومان به یأس گرایید.^۱ البته امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و سایر امامان بزرگوار پرچم مبارزه با ظلم را برافراشته نگه داشتند و تا امام یازدهم، هر کدام پس از دیگری در این راه به شهادت رسیدند. این بزرگواران، همواره از «عدل» به عنوان یک اصل اساسی اسلام یاد می کردند و بی توجهی به آن را، بی توجهی به یک اصل اسلام می شمردند. به همین جهت نام شیعیان و پیروان امیرمؤمنان با عدالت اسلامی همراه شد.



**کتاب نهج البلاغه ، مجموعه ای از سخنرانی ها، نامه ها و سخنان کوتاه
امیرمؤمنان است که توسط سید رضی یکی از دانشمندان قرن چهارم هجری گردآوری
شده است. به این کتاب مراجعه کنید و نامه آن حضرت به مالک اشتر را که به عهدنامه
مالک اشتر مشهور است، مطالعه نمایید و در میان توصیه هایی که به عدالت دارد،
یک توصیه را یادداشت کنید.**

.....
.....
.....

تشیع و وحدت مسلمانان

شناخت جایگاه شیعه در تاریخ اسلام و تبیین علمی و تاریخی حقانیت آن، نباید ما را از مسأله ای مهم و حیاتی، یعنی حفظ وحدت مسلمانان و تلاش برای سربلندی، عزت، استقلال و حفظ منافع آنان غافل کند. باورهای مشترک فراوان، مانند اعتقاد به خدا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن و قیامت، زمینه ساز وحدت بین ما مسلمانان است. به همین دلیل، حفظ و تقویت وحدت شیعه و سنی و مبارزه با عوامل و برنامه های تفرقه انگیز یکی از اصول راهبردی انقلاب اسلامی است که هوشیاری و بیداری همگان را می طلبد.

امام خمینی (ره)، معمار کبیر انقلاب اسلامی که همواره و در هر فرصت مسلمانان را به

۱- جُرج جُرداق، نویسنده برجسته مسیحی کشور لبنان کتابی تحت عنوان «امام علی صدای عدالت انسانی» می گوید: امام علی فدای عدالت خودش.

اتحاد و همبستگی دعوت می‌کرد، در یکی از پیام‌های خود به مسلمانان چنین پیام می‌دهد :
«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پاخیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید.»^۱

برای حفظ همبستگی و وحدت میان مسلمانان، باید به نکات زیر توجه کنیم :

۱- مستکبران جهانی که با اصل اسلام و پیام قرآن کریم دشمنی دارند و به صورت‌های مختلف به پیامبر بزرگوار ما و کتاب آسمانی ما اهانت می‌کنند، درصدد نابودی اسلام و ضعیف نگه‌داشتن همه مسلمانان هستند. راهی که برای این هدف خود انتخاب کرده‌اند، تفرقه و جنگ میان مسلمانان است. ما باید با هوشیاری خود در این دام نیفتیم.

۲- از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. آنان که می‌خواهند مسلمانان را با هم دشمن کنند، با استفاده از همین توهین‌ها، بذر دشمنی میان مسلمانان را می‌کارند و در موقع مناسب، درو می‌کنند و به هدف خود می‌رسند.

۳- خود را از سایر مسلمانان دور ندانیم و برای پیروزی، عزت و سربلندی مسلمانان، در تمام نقاط جهان تلاش کنیم و تا آنجا که می‌توانیم برای آبادانی و پیشرفت جهان اسلام همکاری کنیم و به این سخن پیامبر گرامی توجه کامل داشته باشیم که فرمود :

کسی که صبح خود را آغاز کند و در اندیشه رسیدگی به سایر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.^۲

۴- از مظلومان مسلمان در تمام نقاط جهان، با روش‌های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم. زیرا رسول خدا ﷺ در این باره هم فرمود :

هرکس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد، بشنود، اما به یاری آن مظلوم برخیزد، مسلمان نیست.^۳

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۸۳.

۲- من اصبح وَلَمْ يَهْتَمْ بامور المسلمين فليس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۳)

۳- من سمع رجلاً يُنادي يا للمسلمين فلم يَجِبْهُ فليس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴)

۵- اعتقادات خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا ببخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگویم و اعتقادات خود را به نحو صحیح بیان کنیم. دفاع منطقی از اعتقادات نه تنها سبب تفرقه و جدایی نمی‌شود، بلکه دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. بنابراین لازم است برنامه‌ای برای شناخت بیشتر معارف اهل بیت علیهم‌السلام تنظیم کنیم و شرکت در سخنرانی‌های علمی و مطالعه کتاب‌های مناسب را در برنامه خود قرار دهیم.

۶- به عنوان یک پیرو امیرالمؤمنین، به گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران به تشیع نشویم. رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه قرار دهیم و در انجام تکالیف خود، مانند برپاداشتن نماز، رعایت حجاب و عفاف، رعایت حقوق دیگران، ادب معاشرت با مردم، پیروی از قوانین اجتماعی، همبستگی با مسلمانان کوشا باشیم و بدانیم که پیرو رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت گرامی ایشان بودن، تنها به اسم نیست، بلکه اسم باید با عمل همراه باشد تا شیعه حقیقی پدید آید. شیعه با عمل جایگاه تشیع را در دنیا بالا می‌برد و شیعه بدون عمل سبب تضعیف موقعیت تشیع می‌شود، و این خود گناه بزرگی محسوب می‌گردد. از این رو امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

كونوا لنا زیناً زینت خاندان ما باشید

وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِیناً و مایه زشتی و عیب ما نباشید^۱



۱- کدام یک از ویژگی‌های امیرالمؤمنین در دوره کوتاه خلافت سبب علاقه بیشتر مسلمانان به آن حضرت شد؟ نمونه‌ای برای آن ذکر کنید.

۲- چرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صورت‌های گوناگون فضائل حضرت علی علیه‌السلام را برای مردم بیان می‌کرد؟

۳- مقصود از این سخن پیامبر که «علی با حق است و حق با علی است» چه می‌باشد؟

۴- چه رابطه‌ای میان این سخن پیامبر که «علی با قرآن و قرآن با علی است» و حدیث ثقلین وجود دارد؟

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸